

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۱

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی
سال نوزدهم، شماره ۷۶، تابستان ۱۴۰۲

جایگاه امید در عرفان یحیی بن معاذ رازی

تینا نیکنام^۱

رقیه علوی^۲

رضا یوسف وند^۳

چکیده

یحیی بن معاذ رازی (متوفی ۲۵۸ ق.) از نخستین عارفان ایرانی و نظریه پردازان حوزه عرفان اسلامی و ایرانی است که او را «یگانه روزگار» خوانده‌اند. در عرفان ایرانی که اصالت به شادی شادمانی داده می‌شود و ابوسعید ابوالخیر از پیشتازان آن به شمار می‌آید مبنای فکری خود را از بزرگانی چون یحیی بن معاذ رازی اخذ کرده‌اند که نظریه عرفانی خود را بر پایه «امید» استوار ساخته بود و با اصالت نور و روشنائی ایران باستان هماهنگی بیشتری داشت. این عارف با تکیه بر بخشایش خداوند که بر غضب او پیشی دارد و بر اساس این که عبادات انسان در برابر رحمت‌های الهی بسیار ناچیز است و بر پایه اینکه وعده‌های الهی بر عهده اوست و وعده‌های خدا بستگی به عمل بندگان دارد نتیجه می‌گیرد که باید به رحمت خدا امیدوار بود و همین امید به دنبال خود شادمانی را در پی دارد و بر همین پایه غنا را بر فقر ترجیح می‌کند و خداوند را امید اصلی خود و عارفان به شمار می‌آورد و بخشایش او را در دنیا با چنین وسعتی منجر به بخشایش آخرت ارزیابی می‌کند. واژگان کلیدی:

عرفان اسلامی، خوف و رجاء، یحیی بن معاذ، رضا، شادی.

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده فنی و حرفه ای دختران شریعتی، تهران، ایران. نویسنده مسئول:

niknam.t@shariaty.ac.ir

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۳- استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

پیشگفتار

بیم و امید از مهم‌ترین مسائل انسان‌شناسی دینی و بویژه عرفانی به شمار می‌آید و در عرصه جهانی موضوع «امید» از مطرح‌ترین مباحث در حوزه‌های مختلف علوم انسانی می‌باشد. انسان با امید زنده است و امید نزدیک‌ترین و عزیزترین دارایی روح انسان خوانده شده است و آن را از نیروهای درونی دانسته‌اند که شوق را در درون انسان زنده نگاه می‌دارد و حتی از آموختن هنر امیدواری سخن گفته‌اند که از هنرهای زندگی است. در حوزه دین و معنویت نیز همواره خوف و رجاء در کتاب‌های آسمانی و آثار علم اخلاق، بویژه در سیر و سلوک عرفانی مورد توجه قرار گرفته است. بیم و امید در حوزه روانشناسی و جامعه‌شناسی نیز گسترش خاصی یافته است و مطالعات جدیدی در این باره دیده می‌شود.

برای مطالعه این موضوع باید به ریشه‌یابی اندیشه ورزی انسان در آن پرداخت و یکی از منابع اصلی در عرفان ملاحظه می‌گردد. در عرفان نیز عارفانی فلسفه سلوک خود را بر اساس بیم و امید استوار ساخته‌اند که یحیی بن معاذ رازی از آن دسته است و باید او را یکی از نظریه پردازان و ابداع کنندگان بحث درباره امید به شمار آورد و مطالعه دیدگاه او بخش تاریکی از پیشینه مطالعاتی این موضوع را روشن می‌سازد. یکی از ویژگی‌های مکتب سکر خراسانی، اصالت عشق اوست و در هستی‌شناسی آنها امید اولویت پیدا می‌کند و در نزد یحیی بن معاذ رازی از یک نظریه برخوردار می‌گردد.

در نزد اکثر عالمان و عارفان مسلمان، تعادل بین بیم و امید مطلوب است و توجه بیشتر به هر طرف را نپذیرفته‌اند و در وصف عقیده خود به فراوانی سخن گفته‌اند اما این عارف به طور یک جانبه مدافع «رجاء» می‌شود و استدلال‌های قدرتمندی می‌آورد که بر اساس هستی‌شناسی و انسان‌شناسی عرفانی استوار گردیده است. بیش از همه بر رحمت و عطف و محبت خداوند نسبت به آفریده‌هایش که جدا از او نیستند تکیه دارد و این عقیده در برابر دیدگاه ابوطالب مکی قرار می‌گیرد که برتری را به خوف داده است.

این دو دیدگاه در مقابل نظریه عمومی و رایج قرار گرفته‌اند که خوف و رجاء را دو بال پرنده دانسته‌اند که به طور یکسان باید در نظر گرفته شوند تا بتوان پرواز نمود و حتی ایمان را در گرو تعادل این دو بال خوانده‌اند و از ابوعلی رودباری (متوفی ۳۲۲ ق.) که تعادل را مطرح نمود تاکنون بیش‌ترین صاحب‌نظران از آن دفاع کرده‌اند. در علم کلام هم بین قدریه و مرجئه جدالی بود. گروه نخست معتقد بودند که خدا هیچ گناهی را نمی‌بخشاید و مرجئه ادعا داشتند که خداوند هیچ گناهی را مجازات

نمی‌کند. در بین این افراط و تفریط‌ها عارفان به نظریه پردازان پرداخته‌اند و از میان آنها یحیی بن معاذ رازی با ابتکار خود نظریه جدید ارائه می‌دهد که در این پژوهش به جوانب مختلف آن توجه می‌شود.

پیشینه تحقیق

درباره یحیی بن معاذ رازی در تذکره‌های عرفانی مطالب عمومی فراوانی موجود است که تا حدودی به دیدگاه‌های او اشاره دارند و اگر چه درباره امید به طور جداگانه تحقیق نشده است اما از این منابع می‌توان به نتایج مفیدی دست یافت. مقاله «سیری در زندگی و اندیشه‌های یحیی بن معاذ رازی، از مسعود فروزنده که در فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی شماره ۱۴ و ۱۵ در پاییز و زمستان ۱۳۸۸ منتشر شده است عمده این منابع را گرد آورده است. یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «شرح احوال و اقوال یحیی بن معاذ رازی» از ناهید کشاورزینیا در سال ۱۳۸۴ در دانشگاه تربیت معلم تهران و دانشکده ادبیات و علوم انسانی آن دفاع شده است که همان تلاش در آن دیده می‌شود. آثار منسوب به یحیی بن معاذ رازی؛ کتاب جواهر التصوف در بیروت به سال ۱۴۱۸ ق. در مکتبه الادب منتشر شد که اشاراتی به موضوع خوف و رجاء در آن دیده می‌شود. کتاب خوف و رجاء از منظر قرآن و روایات از بتول سعیدی نیا (۱۳۹۳ نشر بنیاد فقه) تا حدودی به این موضوع ارتباط دارد. همچنین کتاب خوف و رجاء از مجتبی تهرانی در سال ۱۳۹۶ از طرف مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح به این موضوع اختصاص دارد. در مقالات و منابع متعددی نیز به موضوع بیم و امید اشاره شده است که مطالعه آنها راهگشاست. در کتاب ابوسعید ابوالخیر: حقیقت و افسانه از فریتس مایر (۱۳۷۸، مرکز نشر دانشگاهی) باب نهم به یحیی بن معاذ رازی و امید می‌پردازد که بهترین تلاش در این حوزه است.

امید و بیم در عرفان

خوف و رجاء را برخی از مقامات و گروهی از احوال عرفانی دانسته‌اند، اما در مجموع دو صفت فاضله نفسانی و دو مقام از مقامات روحی و معنوی به شمار آمده است. در سیر و سلوک برای دوری از گناه و برای پیدایش ایمان و یقین همین دو گانه عرفانی کارآیی دارد. اگر صفتی در روح انسان رسوخ نکرده باشد و به مرحله ثبات نرسیده باشد «حال» خوانده می‌شود و اگر ثابت و راسخ باشد به آن «مقام» گویند و با این دیدگاه امید و بیم را نیز مطالعه کرده‌اند. بوعلی سینا در مجلس ابو سعید ابوالخیر این رباعی را گفته است:

ماییم به عفو تو تو تولا کرده وز طاعت و معصیت تبرا کرده
 اینجا که عنایت تو باشد، باشد ناکرده چو کرده، کرده چون ناکرده

ابو سعید نیز فی البداهه می گوید:

ای نیک نکرده و بدی ها کرده و انگه به خلاص خود تمنا کرده

بر عفو ممکن تکیه که هرگز نبود ناکرده چو کرده، کرده چون ناکرده

(نامه دانشوران، ۱۳۸۸: ۱/۱۳۳)

بزرگان عرفان و تصوف در تعریف رجاء از عباراتی چون: سکون قلب به سبب حُسن وعده، اطمینان به وجود خداوند کریم، انتظار خیر داشتن از کسی که خیر به دست اوست، قرب قلب از ملاطفت ربّ، رؤیه الجلال بعین الجمال و شادمان شدن به فضل خداوند استفاده کرده‌اند و آن را در سه نوع مطالعه نموده‌اند: رجاء فی الله، رجاء فی سعة الله و رجاء فی ثواب الله. (دهباشی، ۱۳۹۴: ۲۲۰) این عارفان از ابونصر سراج تاکنون دربارهٔ بیم و امید اظهار نظر کرده‌اند و اغلب با استناد به قرآن کریم و روایات گفته‌های خود را آراسته‌اند و بیش از هر چیز دربارهٔ تعادل بین خوف و رجاء سخن گفته‌اند.

در مبانی هستی شناسی عرفانی، دوگانه‌های مختلف مانند لطف و قهر، رحمت و غضب که ریشه‌های بحث از بیم و امید به شمار می‌آیند به صفات جمالی و جلالی حق بر می‌گردد. به این ترتیب صفات جمالی حق اگر در قلب سالک تجلی کند آنوقت در قلب او رجاء پیدا می‌شود و اگر صفات جلالی متجلی گردد خوف ظاهر می‌شود که سپس به مرتبه قبض و بسط می‌رسد و در هیبت و انس ظاهر می‌گردد. از دیدگاه روزبهان بقلی شیرازی، خوف آتشی است که خودبینی فطری سالک را که در ابتدای رؤیت بر می‌خیزد می‌سوزاند و هنگامی که آنچه در قلب است از هیبت صدمات انوار کبریایی خداوند نابود شود رجاء از سوی خداوند در قلب سالک پدید می‌آید و اهل آن برای اتصال ازل به سوی عالم ابد فرا می‌خوانند. رجاء طلوع صبح یقین در قلب‌های اهل حزن و اندوه است. (ر.ک: روزبهان بقلی، ۱۴۲۶: ۴۲).

خوف و رجاء در عرفان و اخلاق و شریعت با سه بیان آمده است. در شریعت بر اساس گفته‌های قرآن کریم و احادیث، بویژه با آیه‌هایی که «لا تقنطوا من رحمه الله» (زمر، ۵۳) از رحمت خدا مأیوس نشوید (سوره حجر، ۵۶) استدلال می‌شود که با توجه به آیات خوف و رجاء، توازن و اعتدال بین این دو ضروری است و از امام علی (ع) نقل است: «خیر الاعمال اعتدال الرجاء و الخوف»، (محمد ری شهری، ۱۳۷۶: ۱۵۶۸/۴) در حوزه اخلاق نیز خوف و رجاء از فضایل اخلاقی به شمار می‌آیند و خوف در مرتبه‌ای مانع از گناه و رذایل اخلاقی شمرده می‌شود و رجاء نیز تا حدی موجب انجام اعمال خوب می‌گردد. (ر.ک: نراقی، ۱۳۷۳: ۱۴۹) در کتاب‌های دینی و اخلاقی به تفصیل دربارهٔ آن سخن گفته‌اند.

اما در عرفان، خوف و رجاء اغلب به عنوان دو وادی و دو مرحله از سلوک به شمار می‌آید که در مقامات واحوال از آن یاد شده است و بیم و امید به عنوان سرمایه برای سلوک و یاره توشه راه محسوب شده‌اند. گفته‌اند: «یقین را دو پر است؛ یکی ترس و دیگری امید، که تواند که یک پر ببرد؟ امید، مرکب خدمت است و زاد اجتهاد و عدت عبادت.

مرغ ایمان را دو پر، خوف و رجاست مرغ را بی پر پرانیدن خطاست

(انصاری، ۱۴۰۱: ۳۶)

در عرفان، رجاء بر خوف ترجیح دارد. اگر خوف باعث یأس و ناامیدی می‌شود در مقابل امید همانند بالی است که سالک را به مقصود می‌رساند. از طرفی رحمت خداوند را سابق و غالب بر غضب او می‌دانند و سالکان را از ناامیدی بر حذر می‌دارند حتی قهر خداوند در عرفان نوعی لطف خفی است:

بترین قهرش به از حکم دوکون نعم رب العالمین و نعم العون

لطفها مضمرا ندر قهر او جان سپردن جان فزاید بهر او

(مولوی، ۱۳۷۵: ۱۶۶۷/۴)

از طرفی در مکتب عرفان عاشقانه خراسان، امید از عشق به معشوق و زیبایی او ناشی می‌شود و خوف از بی‌اعتمادی به خود و نگرانی از قهر معشوق که در مورد خداوند به صفات جمال و جلال او برمی‌گردد. رجاء سرعت سیر به سوی معشوق را افزایش می‌دهد و اشتیاق را پیوسته بیشتر می‌کند در حالی که خوف حرکت را کند می‌نماید. از طرفی عاشق به اعمال خود نظر ندارد بلکه وصال معشوق را دنبال می‌کند. عارف به عشق و امید پرواز می‌کند در حالی که زاهد با خوف و ترس گام برمی‌دارد و این دو تفاوت بسیار دارند:

آن ز عشق جان دوید و این ز بیم عشق کو و بیم کو! فرقی عظیم

سیر عارف هر دمی تا تخت شاه سیر زاهد هر مهی یک روزه راه

گرچه زاهد را بود روزی شگرف کی بود یک روز او خمسین الف

(همان: ۲۱۶۹۰۲/۵)

در هستی‌شناسی عرفانی، از آنجا که مبدأ هستی یگانه و مستقل است و بلکه هستی به او تعلق دارد در ذات خود خیر مطلق و زیبایی مطلق است پس غیر از خیر و زیبایی هم از او پدید نمی‌آید چون نور و وجود مطلق است. هر چه از او جلوه کند نورانی و خوبی می‌باشد. از دیدگاه فلسفه عرفان هم بر اساس قانون سنخیت علت و معلول از آفریدگاری که حکمت و رحمت و خوبی مطلق است

آفریده‌هایی از همان دست پدید می‌آیند. آنچه را انسان با نگاه نزدیک بین خود زشت می‌انگارد نوعی کوتاه بینی است و نادانی و ناآشنایی با حقیقت امور می‌باشد یعنی در عرفان، نظام احسن در هستی حاکم است و بهترین وضعیت و شرایط ممکن را دارد. بهتر از این امکان نداشته است و گر حکیم همان را انجام می‌داد.

نیست در دایره یک نقطه خلاف از کم و بیش که من این دایره بی چون و چرا می‌بینم

(حافظ، ۱۳۸۱: ۲۲)

لازمه وجود چنان آفریدگاری پیدایش نظام احسن است و در چنین شرایطی هیچ جایی برای نگرانی وجود ندارد و هستی لبریز از خوبی و امید می‌باشد.

در جهان آنچه رفت و آنچه آید و آنچه هست آن چنان همی یابد

خواه او امید گیر و خواه بیم هیچ بر هرزه نافرید حکیم

(سنایی، ۱۳۸۸: ۲۲۴ و ۲۸۰)

هنگامی که حق رحیم و رحمان است و با لطف و عنایت به آفریدگان نظر دارد و آیات و روایات آن را تأیید می‌کند دیگر جایی برای ناامیدی بر جا نمی‌ماند. آنچه به عنوان خوف و رجاء در عرفان مطرح می‌شود این است که سالک باید به حق معرفت پیدا کند و در او محو و فانی گردد و اما تا موقعی که به آن مرحله نرسیده است اسیر خود می‌باشد و باید تلاش کند که از این زندان رهایی یابد و بیم و امید اینجا معنا پیدا می‌کند و با امید به رحمت الهی در مراتب سلوک به پیش برود.

از طرفی «توکل» و «رضا» از مقامات عرفانی‌اند که راه به سوی امید دارند. اگر چه هر دو در اغلب در دو معنای مثبت و منفی درک شده‌اند و در جنبه منفی گمان کرده‌اند که واگذاری امور به حق در معنای از پای نشستن و تلاش نکردن است اما در معنای مثبت این دو به معنای این است که حرکت انسان در سایه لطف و عنایت حق قرار دارد و نباید ناامید شد و با صبر و امید می‌توان به پیش رفت و بر همه مشکلات فایق آمد.

باب یازدهم و دوازدهم کتاب رساله قشیری به خوف و رجاء اختصاص دارد و با این آیه آغاز می‌شود که «یدعون ربهم خوفاً و طمعاً» (سجده، ۱۶) پروردگارش را با بیم و امید می‌خوانند. از یحیی بن معاذ نقل می‌کند: «مسکین فرزند آدم! اگر از دوزخ بترسیدی - چنان که از فقر و درویشی بترسید - اندر بهشت شدی». (قشیری، ۱۳۹۰: ۲۲۲) اما در بحث از امید چند بار به یحیی بن معاذ اشاره دارد که گفتند: «پنداری امید من به تو با گناه، غلبه همی کند بر امید به تو با اعمال نیکویی که کرده‌ام زیرا که اعتماد من اندر اعمال، بر اخلاص است و مرا اخلاص چون بود که من بنده‌آم به آفت معروف و امید من اندر گناه با اعتماد است بر فضل تو و چرا نیامرزی و تو خداوندی به جود موصوف؟.... یحیی بن

معاذ گوید: شیرین‌ترین عطاها اندر دل من رجاء تو است و خوش‌ترین سخن‌ها بر زبان من ثنای تو است و دوست‌ترین زمان‌ها بر من دیدار تو است.» (همان: ۲۳۰) درباره‌ی این عارف جداگانه هم صحبت کرده است.

در باب دوم کتاب خود که در ذکر مشایخ باشد به ابوزکریا یحیی بن معاذ الواعظ می‌پردازد و می‌گوید: «بی‌همتا بود اندر باره‌ی خویش و زبانی داشت اندر رجاء بدان مخصوص، و به سخن معرفت» (همان، ۸۷) در کشف‌المحجوب نیز در بزرگان عرفان به او می‌رسد و می‌گوید: «عالی حال و نیکو سیرت بود و اندر حقیقت رجاء به حق تعالی قدمی تمام داشت... یحیی بن معاذ طریق رجاء را چنان سپرد که دست همه مدعیان به رجاء اندر خاک مالید. گفتند: «ایها الشیخ، مقامات مقام رجاست و معاملت خایفان؟» گفتند: «بدان ای پسر، که ترک عبودیت ضلالت بود و خوف و رجاء دو قایمه‌ی ایمان‌اند. محال باشد که کسی به برزش رکنی از ارکان ایمان به ضلالت افتد. خایف عبادت کند ترس قطعیت راه، و راجی امید وصلت را. تا عبادت موجود نباشد نه خوف درست آید نه رجاء، و چون عبادت حاصل بود این خوف و رجاء، جمله، عبارتی بود. و آنجا که عبادت باید عبارت هیچ سود ندارد.» (هجوری، ۱۳۸۴: ۱۸۷) در متون کهن عرفانی همه جا این عارف را به عنوان صاحب مقام رجاء معرفی کرده‌اند.

نظریه یحیی بن معاذ رازی

یحیی در ری به دنیا آمده بود و در علوم عصر و ریاضت و سلوک سرآمد شده بود از نظر بزرگان «حکیم اهل زمانه و از بزرگان مشایخ» (ذهبی، ۱۴۱۲: ۳۷۳) است. زاهد و عارف و خطیب هم می‌باشد و امثال و اشعار عربی و فارسی را به زیبایی به کار برده است. حکایت جالبی از سفرهای او بویژه در سفر به بغداد و شیراز نقل است. به تشیع و اهل بیت (ع) گرایش و علاقه فراوان داشته است. گفته‌اند: «یحیی در شهر بلخ مهمان یک نفر علوی شد. علوی از یحیی پرسید: خداوند تو را تأیید کند درباره ما اهل بیت چه عقیده‌ای دارد؟ یحیی گفت: چه گویم درباره گلی که به آب وحی سرشته شده و با آب رسالت کاشته و آبیاری شده؟ آیا جز بوی خوش مشک رستگاری و عنبر پرهیزگاری چیزی از آن به مشام می‌رسد؟» (ابن الجوزی، ۱۴۱۲: ۱۴۹) در همه سفرها با استقبال فراوان مواجه بوده است. او با عارفان بزرگ عصر خود مانند ابو عثمان حیری، حکم الترمذی، بایزید بسطامی و ابراهیم خواص مصاحبت داشته است و از راویان حدیث به شمار می‌آید و صاحب آثار ارزنده‌ای چون کتاب «مراد المریدان» است و کتاب «فواید» شیخ یحیی معاذ نیز نسخه‌هایی موجود دارد و کتاب جواهر التصوف که منتشر شده است. با سرمایه علمی خود به نظریه پردازی درباره عرفان می‌پردازد و نظریه امید را مهم‌ترین دستاورد او می‌توان در نظر گرفت که از عصر او مورد توجه صاحب نظران بوده است و در متون عارفانه و غیر آن درباره آن اظهار نظر کرده‌اند.

در دیدگاه هستی‌شناسانه عرفانی او، خداندی که وجود مطلق و نور محض و زیبایی خالص است، یکسره رحمت و حکمت و زیبایی آفریننده و هستی را در بهترین حالت ممکن و از جلوه خود ایجاد کرده است و به این ترتیب هیچ نقص و ایرادی در آفرینش او نمی‌توان یافت و با درک وجود حق هیچ جایی برای اندوه و ترس و نگرانی وجود ندارد و در دوگانه بیم و امید، اصالت به امید داده می‌شود. مبانی عرفانی در حوزه معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی نیز این مطلب را اثبات می‌کند که از نور غیر از نور ساطع نمی‌گردد و از جمیل غیر از جمال پدیدار نمی‌شود.

همین مبانی او را به نتایجی می‌رساند که به اعتراف محققان در قرون مختلف از نظریه پردازی خاصی در این زمینه حکایت دارد. حصری گفته: «یحیی بن معاذ طریق رجا را چنان سپرد که دست همه مدعیان به رجا را اندر خاک مالید.» (عطار، ۱۳۶۳: ۳۶۱) در تحلیل خود از توحید بر اساس همین نظریه می‌گوید: توحید مانند نور است و شرک همچون آتش. نور توحید تمامی گناهان اهل توحید را می‌سوزاند چنان که آتش شرک، تمامی حسنات مشرکان را تبدیل به خاکستر می‌کند. (همان: ۳۷۳) اما از آنجا که هستی را جلوه نور حق می‌داند حاکم را نور می‌داند که فراگیر و حیات بخش است.

حتی خوف و ترس را در این حوزه در نظر می‌گیرد که اگر در دل قرار گیرد میوه‌ای چون دعا و زاری و تضرع دارد و انسان را به اطاعت و می‌داند و از گناهان دور می‌کند و با اینکه چنین فوایدی برای خوف بیان می‌کند در مبانی و اساس فکری اصالت را به امید می‌دهد. بیش از همه در نیایش‌های یحیی می‌توان مضامین مربوط به امیدواری را ملاحظه نمود که بر اساس آموزش الهی و فضل و احسان او انجام می‌گیرد. جالب اینجاست که در بحث از فقر و غنا که در بین عارفان اختلاف می‌شود و گروهی فقر را برتر می‌دانند. در این بحث یحیی غنا را بر فقر برتری می‌دهد و می‌گوید: «غنا فاضل‌تر که فقر» (هجویری، ۱۳۸۳: ۲۸) و آنچه درباره امتیازهای فقر گفته‌اند از دیدگاه او فقر مادی نبوده است بلکه فقر را معنای این مطلب می‌داند که سالک جز به خداوند نیازمند نباشد یعنی ثروت و غنا را به خدا نزدیکتر می‌داند و فقر را نمی‌پسندد.

در بحث از توبه نیز که از مقامات عرفانی است و درباره آن نظرهای متفاوتی اعلام می‌شود یحیی عقیده دارد که توبه باعث می‌گردد که تمامی گناهان از بین بروند. (عطار، ۱۳۶۳: ۳۷۲) درباره ورع هم چنین تعریفی ارائه می‌دهد که «ورع دوگونه بوده، ورعی بود در ظاهر که نجنبند مگر به خدا و ورعی بود در باطن و آن، آن بود که در دلت به جز خدا در نیاید.» (قشیری، ۱۳۹۰: ۱۶۸) در هندسه فکری او ایمان عبارت از سه چیز است: «خوف و رجاء و محبت.» «در ضمن خوف ترک گناه است تا از آتش دوزخ رهایی یابی و در ضمن رجاء، در طاعت خوض کردن است تا به بهشت برسی و در ضمن محبت، تحمل چیزهای مکروه است تا از این طریق رضای حق حاصل شود.» (عطار، ۱۳۶۳: ۳۷۰) او جوینده حق و سالک سیر الی الله را پیوسته در «روح و راحت» می‌داند. (همان: ۳۶۸).

از دیدگاه یحیی «تمامی دنیا ارزش این را ندارد که انسان حتی یک ساعت غم آن را بخورد. بنابراین کسی که تمامی عمرش را در غم دنیا به فکر بهره‌مندی از امکانات آن است تا بهره‌اندکی از آن ببرد در خسران ابدی خواهد بود». (زرکلی، ۱۳۸۹: ۲۱۸/۹) او انسان حکیم را دارای سه خصلت می‌داند: «۱- به چشم نصیحت به توانگران نگاه کند تا با چشم حسد. ۲- به چشم شفقت به زنان نگاه کند نه با چشم شهوت. ۳- به چشم تواضع به دوریشان بنگرد نه با چشم تکبر. از دیدگاه یحیی، حکیم کسی است که ظاهرش با عوام مردم مثل نقره باشد و با رهروان مثل طلا و با عارفان مقرب مثل مروارید و یاقوت و اگر کسی چنین ویژگی‌هایی نداشته باشد حکیم محسوب نمی‌شود.» (فروزنده، ۱۳۸۸: ۱۵۷؛ ذهبی، ۱۴۱۲: ۳۷۴) یعنی دیدگاه او «امید» محور است و در همه بخش‌های فکری او تأثیر و گسترش آن نظریه را می‌توان ملاحظه نمود.

در هنگامی که به اولیای الهی می‌پردازد همان نظریه را می‌توان تشخیص داد. او برای اولیای خداوند سه خصلت را بر می‌شمارد: «اعتماد کردن بر خداند، با اتکای به او از همه چیز و هم ما سوی الله بی نیاز بودن و در همه امور به خداوند رجوع کردن.» (عطارد، ۱۳۶۳: ۳۶۵) همچنین اولیا را به دور از ریا و تظاهر ارزیابی می‌کند تا آنجا که اولیای خدا را اسیر غم‌های خوشبوی حق در روی زمین می‌داند که صدیقان ایشان را می‌بویند و بوی ایشان به دل صدیقان می‌رسد و صدیقان مشتاق خداوند می‌شوند در نتیجه با توجه به درجه‌ای که از اخلاق دارند عبادتشان به درگاه خداوند بیشتر می‌شود.» (قشیری، ۱۳۹۰: ۴۳۳) درباره عبادت عارف هم می‌گوید آن عبادت در سه چیز است: «با نیکویی با مردم معاشرت کردن، پیوسته به یاد خدا بودن و داشتن جسمی سالم، در حالی که دلی بیمار در آن قرار دارد.» (خطیب بغدادی، ۱۴۰۱: ۵۷/۱۰).

مناجات‌ها و عارفانه‌های امید محور او فراوان است از جمله:

- خدایا! تو چقدر بخشاینده‌ای، امروز توفیق طاعت به انسان می‌دهی و فردا هم آن طاعت را می‌پذیری. گناهان ما را نیز امروز می‌پوشانی و فردا می‌آموزی. (ذهبی، ۱۴۱۲: ۳۷۴).

- همه نعمت‌های دنیا، از آغاز آن تا انجامش، با غم خوردن ساعتی برابر نیست پس چرا همه عمر خود را در غم دنیا به سر می‌بری، با اینکه چیز اندکی از آن به دست می‌آوری؟

- عاملان چهار گروه باشند: تائب و زاهد و مشتاق و اصل. تائب به توبه خود محبوب باشد و زاهد به زهد خود محبوب باشد و مشتاقان به حال خود محبوب. و حال آنکه اصل را چیزی از خدا محبوب نسازد. (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۰۵: ۱۷۱/۱).

- حقیقت محبت آن است که با جفا کاسته نشود و با نیکوکاری و عطا افزوده نشود.

- الهی! گناه من، مرا می‌ترساند از تو و امید به طمع رحمت می‌کند در تو. پس بیرون آور مرا به خوف از خطاها و درآور مرا به امید در عطاها تا در قیامت آزاد کرده تو باشم همچنان که در دنیا پرورده نعمت تو بودم.

از تو عفو و کرم رجای من است با رجا جرم من بلای من است
ساز من بر گناه گریه بود بر تو پیغام من دعای من است
(محمود بن عثمان، ۱۳۶۸: ۲۲۹)

در تحلیل «رجاء» محاسبی نیز عقیده دارد که امیدواران سه گروه هستند:

۱- آنهایی که صادقانه نیکی کرده و در برابر آن امید به پاداش دارند و در عین حال پیوسته نیز نگرانند.

۲- آنهایی که مرتکب گناه می شوند و سپس توبه می کنند و امید به آمرزش دارند.

۳- آنهایی که مُصَرِّ در معاصی اند و با این همه امید به آمرزش دارند. (مایر، ۱۳۷۸: ۱۸۰).

آن دو گروه نخست را دارای امید صادق و دستۀ سوم را دارای «رجاء کاذب» می خوانند. در نگاه یحیی نیز خوف تا آنجا مورد قبول است که سالک را از معصیت باز دارد و مفیدترین امید را آنجا دانسته اند که کارها را بر انسان آسان نماید. اغلب این عارفان حکایاتی نقل کرده اند که خداوند شخصی را به دلیل یک کار خوب آمرزیده است و از همه گناهان او گذشت می کند و چنین داستان هایی در ادبیات عرفانی حکایت از آن دارد که امید در عرفان غلبه دارد.

نکته دیگری در امیدواری عرفانی، «ظنّ و گمان خیر به خدا داشتن» است همین مطلب را با استناد به روایات تکمیل می نماید. از احادیث قدسی گرفته می شود که: «يقول الله عز وجل: انا عند ظنّ عبدی بی، فیظنّ بی ماشاء» (همان: ۱۸۲) من همان هستم که بنده من گمان کند. همین مطلب را شمول رحمت الهی بر بندگانش بستگی به ظنّ آنها دارد. بهترین استدلال امیدواران بر رحمت خدا است که شامل حال امیدواران می شود یعنی خدا درباره اعمال خوب و بد به تنهایی قضاوت نمی کند بلکه تصورات درست و نادرست، ظنّ و گمان های انسان نیز در این مورد تأثیر دارد و اگر انسان خوش گمان باشد به رحمت می رسد.

از آنجا که فضل و کرم و جود از صفات خداوند است دروازه امید به سوی انسان گشوده می شود و همین امر باعث می گردد که قلب او سرشار از شوق باشد و از طرفی رحمت خدا واسعه است یعنی شامل همه ذرات هستی می گردد و از اینجا می توان به خدای غفور و رحیم امید داشت. احادیث قدسی متعددی نیز در عرفان نقل شده است که خداوند بیان می دارد که رحمت و بخشایش او بر قهر و غضب او پیشی می گیرد و یا اینکه خداوند می گوید: من به رحمت و بخشایش نزدیک تر هستم تا به مجازات و عقوبت و نمونه های دیگری که همگی امید را تقویت می کند.

عارفان مکتب جمال پیروان یحیی هستند و بر اساس امید نظریه پردازی کرده اند. ابن سبعین (متوفی ۶۶۸ ق.) از آن جمله است که در آثار خود به تفصیل از رحمت، رضایت، عفو، غفران و مانند آن سخن می گویند و در نهایت رحمت را بالاتر همه آنها قرار می دهد و همه چیز را مورد رحمت

خداوند قرار می‌دهد و حتی اهل دوزخ را شامل این رحمت می‌داند و دیگر بزرگان این مکتب نیز با توجه به اینکه خداوند جمیل است و غیر از زیبایی از او صادر نمی‌شود به سوی نظریه امید گرایش نشان می‌دهند و حتی می‌توان ادعا نمود که در همه طریقت‌های عارفانی دفاع از نظریه امید قابل مشاهده است.

یکی از مبانی نظریه شادی و شادمانی، اطمینان به بخشایش الهی است. این مبنا را برخی نزدیک شدن یحیی به مکتب کلامی مرجئه ارزیابی کرده‌اند در حالی که مذاهب کلامی از اصول جداگانه‌ای پیروی می‌کنند و آنها را نمی‌توان با عرفان در یک تقسیم بندی قرار دارد. اگر مشترکاتی در تفسیر برخی از آیات با هم دارند دلیل بر نزدیکی آنها به همدیگر نیست. بسیاری از مفسران در مذاهب و مکاتب مختلف اسلامی مشترکاتی دارند که در تفسیر مشترک از آیات بروز می‌کند. مرجئه و عارفانی چون یحیی استحقاق ورود به بهشت را بیشتر منوط به خلوص نیت و ایمان می‌دانند تا اینکه نفس عمل را مؤثر بدانند و از طرفی انسان باید به وعده‌های الهی اعتماد داشته باشد یعنی بیشتر از وعیدهای الهی و تهدیدهای آن بر وعده‌ها تکیه کند. آیات متعددی در تأیید این مطلب آورده شده است (سوره نساء آیه ۴۸ و ۱۱۶، سوره زمر آیه ۵۳) که خداوند وعده می‌دهد که همه گناهان را می‌بخشد و نباید از رحمت و بخشایش او نا امید شد. همه کسانی که چنین دیدگاهی نسبت به آیات داشته‌اند نباید در یک مکتب یا دارای نظریه مشترک خواند چرا که اغلب به نتایج متفاوتی رسیده‌اند.

یحیی نیت و ایمان را اگر خالصانه باشند مهم‌ترین عامل برای کسب رضایت الهی و رسیدن به بهشت می‌داند و همین عامل را باعث شادی و شادمانی انسان می‌خواند و در بین وعده‌ها و وعیدهای کتاب آسمانی، بر وعده‌ها تکیه دارد و این را نیز انگیزه شادی می‌داند و در گفته‌های خود به جای «ایمان» از «توحید» سخن می‌گوید. در جایی گفته: «چون توحید یک ساعت گناهان پنجاه سال را باطل می‌کند پس توحید پنجاه سال با گناهان چه خواهد کرد؟» (مکی، ۱۴۲۱: ۱۲۵/۲) به این ترتیب یحیی به بخشایش و رحمت خدا اتکای فراوان دارد و این رحمت را در همین دنیا نیز پایان ناپذیر می‌داند و همین دیدگاه نظریه شادی را ایجاد می‌نماید.

از نظر یحیی، بین زاهد و عارف تفاوت‌هایی وجود دارد که زاهد به دنبال توجه درباره اعمال خود است و با اصالت به آنها تقوا و ورع را پیشه می‌سازد اما عارف توجه به کرم و رحمت خدا دارد و به همین دلیل از مبنا با هم تفاوت دارند و همین توجه به بخشایش را سرچشمه نظریه خود قرار می‌دهد. درباره وعده و وعید نیز همین طور استدلال می‌کند که اصالت را به وعده‌های الهی می‌دهد با این بیان که وعده‌های حق بر عهده خداوند است و او در مورد بندگان خود تعهد کرده است که اگر این و یا آن کار را انجام دهند این پاداش و آن پاداش را بدهد و چه کسی بهتر از خدا به وعده خود عمل می‌کند؟ اما درباره وعیدها می‌گوید آنها بر عهده بندگان است یعنی خداوند اجرای آنها را منوط به بندگان کرده است. گفت اگر این کار یا آن کار را بکنید به چنان کیفری می‌رسید پس کیفر وابسته به

عمل بندگان است و خدا گفته اگر بخواهید می بخشاید. از این مطلب نتیجه می گیرد که کرم و رحمت خدا مقدم و حتمی و قابل اعتماد است این مطلب را بسیاری از عارفان گفته اند و رحمت خدا را بر غضب او سابق دانسته اند.

از دیدگاه یحیی، بر خلاف نظر زاهدان که بر ریاضت های خود تکیه می کنند هیچ توازن و نسبتی بین تلاش های آنها و سعادت اخروی نیست یعنی نمی توان به عبادات و ریاضت های خود چنان بهایی داد بلکه باید به بخشایش خداوند تکیه کرد. یحیی گفت: «خداوند به کمکی که برای شما در این دنیا وعده داده است راضی نیست بلکه رستگاری شما را هم در روز قیامت تضمین می کند. کسی را که خداوند در این دنیا کمک بکند دیگر اندوهی نخواهد داشت.» (مایر، ۱۳۷۸: ۱۹۹) این مطلب را در تفسیر سوره غافر آیه ۵۱ گفته است چرا که عبادت انسان آنقدر نیست که بتواند برابر خداوند به آنه استناد کند و با نعمت های الهی قابل مقایسه نیست پس خداوند بی نهایت کریم و بخشاینده است و همین مبنا برای نظریه شادی و نشاط قابل استفاده است.

در یکی از مناجات های یحیی همین نکته دیده می شود: «خداوند! من سعی می کنم که خود را به تونزدیک کنم. حجت من نِعَم تست نه عمل من. من گمان نمی برم که تو کسی را که امروز با فضل خود سیراب کرده ای روزی با عدل خود کیفر دهی. عفو تو گناهان را و رضامندی تو آمال واهی را محو می کند. اگر تو عفو خود را سخاوتمندانه نمی بخشیدی، بندهات گناهانش را به درگاه تو باز نمی آورد. خداوند! اگر تو مرا نجات دهی مرا به عفو خود نجات می دهی و اگر عذابم دهی به عدل خود عذابم می دهی. من راضی به آنچه به من می رسد هستم زیرا که تو خدای من و من بنده تو هستم. خداوند! تو می دانی که من طاقت آتش دوزخ را ندارم و من می دانم که شایستگی بهشت را ندارم پس من چه راهی دارم غیر از طلب عفو تو؟» (همان: ۲۰۰).

یحیی در نظریه شادی خود با اتکا به بخشایش و عفو خداوند در همه مناجات ها گفته های خود بر وجود لطف الهی تکیه دارد و رجاء را ملازم با خواست خداوند به بخشایش ارزیابی می کند. در دعاها و مناجات های خود خدا را امید خود می خواند: «سیدی و املی» یعنی آرزو و امید خود را خداوند قرار داده است و همین امید را اصلی ترین ویژگی عرفانی خود قرار داده است. همواره بر فضل خداوند امید دارد و چنین امیدی را شایسته چنان خداوندی می داند. چنان به تظاهر و ریاکاری حساسیت نشان می دهد که عقیده دارد اگر گناهی انسان را در نزد خدا پست گرداند بهتر است از طاعتی که انسان به آن مغرور گردد و دچار عُجب و ریاکاری شود. «خداوند! ای مولای من! شادی من از کرم تو مرا از توجه به اعمال زشتم باز می دارد هر چند شقاوت من در آن نهفته باشد و شادی من از نعمت های تو توجه مرا از اعمال نیکم باز می دارد هر چند که نجات من در آن باشد و شادی من به وجود توشادی مرا از خودم از یادم می برد.» «هر که شاد شود به خدمت خدای عزوجل، جمله اشیاء به خدمت او شاد

شود و هر کرا چشم روشن شود به خدای، جمله اشیاء به نظر کردن در و روشن شود» (همان: ۲۲). به همین ترتیب او غنا و ثروت را بر فقر ترجیح می‌دهد.

نتیجه گیری

در عرفان اسلامی، یکی از دوگانه‌های بسیار مهم «بیم و امید» و یا «خوف و رجاء» است که مبنای بسیاری از عقاید دیگر قرار می‌گیرد و در این باره نظریه‌های متفاوتی ابراز شده است. یحیی بن معاذ رازی با تکیه بر قرآن کریم و اندیشه‌های عرفانی خود به «نظریه امید» می‌رسد و در دوگانه بیم و امید اصالت را به امید می‌دهد و برای این نظر خود استدلال‌های قدرتمندی از قرآن کریم و روایات و دلایل عقلی اقامه می‌کند. این اصالت به امید نتایج زیادی در زندگی عارف دارد یکی اینکه شادی و شادمانی مبنا قرار می‌گیرد و زندگی برای عارف دارای هیچ ترس و غمی نیست چرا که خداوند حکیم و خیر خواه مطلق است و از خیر و خوبی غیر از خوبی حاصل نمی‌شود و از طرفی خداوند کریم و بخشنده است و این را وعده داده است و از آنجا که خداوند به وعده خود عمل خواهد کرد اما وعده‌های او وابسته به عمل بندگی شده است پس امید اصالت دارد و از اینجاست که این عارف در دوگانه فقر غنا نیز طرفدار غنا می‌شود و در زندگی شادی را ضروری می‌داند چرا که با چنان خدایی همه امور در جهت خواست او در حرکت است و او منبع خیر و زیبایی و نور است. این دیدگاه باعث می‌گردد تا نگاه امیدوارانه‌ای به آیات قرآنی داشته باشد و در تفسیر آیات بر بخشایش و وعده‌های الهی تکیه کند و نگاه خوشبینانه‌ای به هستی و زندگی انسان پیدا کند.

منابع و مأخذ

- (۱) قرآن کریم
- (۲) ابن الجوزی، ابی الفرج (۱۴۱۲ ق.). المنتظم. تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- (۳) انصاری، خواجه عبدالله (۱۴۰۱ ش.). صد میدان، تهران، نشر زوار.
- (۴) اعتضاد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۳۸ ش.). نامه دانشوران، قم: موسسه مطبوعاتی دارالفکر.
- (۵) ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۵ ق.). حلیه الاولیاء بیروت: دارالفکر.
- (۶) خطیب بغدادی، بکر احمد (۱۴۰۱ ق.). تاریخ بغداد، بیروت: مکتبه بغداد.
- (۷) حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۸۱ ش.). دیوان، تصحیح: قزوینی - غنی، تهران: زوار.
- (۸) دهباشی، مهدی (۱۳۹۴ ش.) و سید علی اصغر میر باقری فرد، تاریخ تصوف، تهران: سمت.
- (۹) روزبهان بقلی، ابن نصر (۱۴۲۶ ق.). مشرب الارواح، تصحیح: کیالی عاصم ابراهیم، بیروت: دارالکتب العمیه.
- (۱۰) سنایی، محدود بن آدم (۱۳۸۸ ش.). حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، تهران، نشر فردوس.
- (۱۱) الذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۲ ق.). تاریخ اسلام، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دارالکتب الغربی.
- (۱۲) عطار، فرید الدین محمد (۱۳۶۳ ش.). تذکره الاولیاء، تصحیح: محمد استعلامی، تهران، نشر زوار.
- (۱۳) زرکی، خیرالدین (۱۳۸۹ ق.). الاعلام، بیروت: دارالکتب العربی.
- (۱۴) قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم (۱۳۹۰ ش.). رساله قشریه، ترجمه: ابوعلی عثمانی، تصحیح: مهدی مجتبی، تهران: هرمس.
- (۱۵) فروزنده، مسعود (۱۳۸۸ ش.). سیری در زندگی و اندیشه‌هایی یحیی بن معاذ رازی، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- (۱۶) محمودین عثمان (۱۳۶۸ ش.). فردوس المرشديه فی اسرار الصمديه، کوشش ایرج افشار، تهران، انجمن شماره ۱۴ و ۱۵ و ۱۰، آثار ملی.
- (۱۷) مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۷۵ ش.). مثنوی معنوی، تصحیح: رینولد نیکلسون، تهران، نشر توس.
- (۱۸) نراقی، ملا احمد (۱۳۷۳ ش.). معراج السعاده، تهران: نشر دهقان.
- (۱۹) محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹ ش.). میزان الحکمه، قم: مرکز تحقیقات دارالحديث.
- (۲۰) مایر، فرتیس (۱۳۷۸ ش.). ابوسعید ابوالخیر: از حقیقت و افسانه، ترجمه: مهرآفاق بابیوردی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- (۲۱) هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۸۳ ش.). کشف المحجوب، تصحیح: محمود عابدی، تهران، سروش.
- (۲۲) الملکی، ابی طالب (۱۴۲۶ ش.). قوت القلوب، صحها عاصم ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العمیه.

The place of hope in the mysticism of Yahya bin Maaz Razi

Tina Niknam*- Roghie Alavi- Reza Yusofvand
Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Shariati Girls
Technical and Vocational College, Tehran, Iran. Corresponding Author:
niknam.t@shariaty.ac.ir

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sanandaj Branch,
Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.
Assistant Professor, Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Abstract

Yahya ibn Maaz Razi(died 258 A.H.) is one of the first Iranian mystics and theoreticians in the field of Islamic and Iranian mysticism who called him "the only one of the age". In Iranian mysticism, where the originality is given to joy and happiness, and Abu Saeed Abul Khair is considered one of its pioneers, they have taken their intellectual basis from great men such as Yahya bin Moaz Razi, who built his mystical theory on the basis of "hope" and with the originality of light and The lighting of ancient Iran was more harmonious. Relying on God's forgiveness, which precedes His wrath, and based on the fact that human worship is very insignificant compared to God's mercies, and based on the fact that God's promises are on him and God's promises depend on the actions of his servants, he concludes that he should have mercy God had hope and this hope pursues happiness and on this basis he prefers wealth over poverty and considers God as his and the mystics' main hope and evaluates his forgiveness in this world with such an extent that it leads to forgiveness in the hereafter.

Keywords:

Islamic mysticism, fear and hope, Yahya bin Maaz, Reza, Shadi.